

روش های عجیب و غریب دفن مردگان!

روش عزاداری، بزرگداشت و کفن و دفن مردگان از فرهنگی به فرهنگ دیگر بسیار متفاوت است اما برخی سنت‌ها واقعاً مراسم تدفین را به سطح بالاتری از خوفناکی ارتقا داده‌اند.



روش عزاداری، بزرگداشت و کفن و دفن مردگان از فرهنگی به فرهنگ دیگر بسیار متفاوت است اما برخی سنت‌ها واقعاً مراسم تدفین را به سطح بالاتری از خوفناکی ارتقا داده‌اند.

اینجا ۱۰ نمونه از آداب و رسوم عجیب و غریبی را که مردم دنیا برای تدفین مردگان‌شان به کار می‌برند معرفی می‌کنیم.

۱- اندوکنیالیسم

برای بعضی فرهنگ‌ها بهترین راه برای ارج نهادن به مردگان، خوردن آنهاست که انسان‌شناسان از آن به عنوان «اندوکنیالیسم» یاد می‌کنند. از نگاه پیروان این سنت، «خوردن گوشت ممنوع مرده» راهی است برای ایجاد ارتباطی دائمی بین افراد زنده با فرد تازه درگذشته. این کار همچنین روشی تسهیل‌کننده برای بیان ترس و نفرت ملازم مرگ و ضایعه‌ی پس از آن محسوب می‌شود. برخی انسان‌شناسان معتقدند اندوکنیالیسم چیزی است که مردگان از زندگان انتظار دارند. گرچه به این سنت دیگر عمل نمی‌شود (دست کم تا جایی که ما می‌دانیم) اما فرهنگ‌هایی که به اندوکنیالیسم باور دارند شامل اهالی «ملانزی» در پاپوآ گینه‌ی نو و مردمان قبایل «واری» در برزیل می‌شود.

۲- تدفین آسمانی بودائیان تبت

وقتی می‌توانید با گوشت بدن فرد تازه درگذشته حیوانات را سیر کنید، چرا خودتان آن را بخورید؟ چنین فکری همان رسم بودائیان تبت یا «تدفین آسمانی» است؛ سنت خردکردن بدن مرده به تکه‌های کوچک و سپردن باقی‌کار به حیوانات و مشخصاً پرندگان. گاهی بدن، سالم گذاشته می‌شود که البته برای لاشخورها مشکلی نیست. گرچه ممکن است این کار کمی احمقانه یا حتی نفرت‌انگیز به نظر برسد اما این آداب و رسوم از دیدگاه یک بودایی کاملاً منطقی است. بودائیان برای حفظ یا ارتباط با بدن مرده که یک ظرف خالی به نظر می‌رسد، اشتیاقی ندارند. بعلاوه در امتداد احترامشان برای تمام زندگی، بودائیان این‌طور نگاه می‌کنند که تنها کار درخور آخرین کنش یک فرد - حتی اگر به وکالت از او باشد - این است که باقی‌مانده‌ی بدنش برای ادامه‌ی زندگی سایر موجودات صرف شود. در حقیقت این آداب و رسوم به عنوان یک حرکت دلسوزانه و خیرخواهانه در نظر گرفته می‌شود. امروزه بیش از ۸۰ درصد بودائیان تبت تدفین آسمانی را انتخاب می‌کنند؛ رسمی که هزاران سال مشاهده شده است.

۳- تدفین معلق

زندگی مردمان مرموز «بو (BO)» ساکن دره‌ی همپ پوند در جنوب غربی ایالت گونگ ژیان چین، برای هزار سال، پیش از آنکه پنج قرن پیش توسط مینگ دیناستی قتل عام شوند، رونق داشت. امروزه قبیله‌ی بو تقریباً بطور کامل فراموش شده اما فقط به لطف تابوت‌های معلق دراماتیکی که از خود بر جا گذاشته‌اند حفظ شده است؛ اثری فراموش‌نشده‌ی از جعبه‌های چوبی که در ارتفاع حدود ۱۰۰ متری از صخره‌ها بیرون زده است. ۱۶۰ تابوت در کنار صخره‌ها و درون غارهای طبیعی قرار داده شده و تعدادی تابوت هم با مرده‌هایی که درونشان خوابیده‌اند از بدنه‌ی صخره‌ها معلقند. صخره‌ها خود نقاشی‌های دیواری زیادی دارند که با رنگ‌های قرمز کشیده شده و بسیاری از آنها زندگی مردم قبیله‌ی بو را تصویر کرده‌اند. امروزه افراد محلی با نام‌هایی نظیر «فرزندان صخره» و «رام‌کنندگان آسمان» به تمدنی که مدت‌هاست از بین رفته اشاره می‌کنند اما اینکه چرا آنان مردگان خود را به این روش دفن می‌کردند کاملاً رازآلود مانده است.

۴- ساتی

این روش گرچه حالا خوشبختانه در هند ممنوع شده است اما نوعی مراسم تدفین بود که در آن زنانی که تازه بیوه شده بودند، خود را در میان هیمة‌ی آتشی که برای سوزاندن جسد شوهرشان بود، قربانی می‌کردند. این رسم عموماً به

عنوان اقدامی داوطلبانه در نظر گرفته شده اما نمونه های بسیاری وجود داشته که زنان مجبور به انجام ساتی می شدند و حتی گاهی اوقات برخلاف خواستشان در آتش سوزانده می شدند. کسی نمی داند این مراسم از کجا سرچشمه گرفته اما برخی معتقدند که این رسم ایجاد شده تا مانع از آن شود که زنان، شوهران ثروتمندشان را کشته و با معشوق واقعی خود ازدواج کنند. احتمال دیگر این است که این کار به عنوان راهی برای وصال دوباره ی زن و شوهر در زندگی پس از مرگ انجام می شده تا زنان از این راه بتوانند حوریان فرصت طلب را از میدان به در کنند! جالب است که هند اولین و تنها فرهنگی نبود که این سنت را پذیرفت. دیگر جوامع باستانی از جمله مصریان، یونانیان، گوت ها و سکاها نیز کاری شبیه به ساتی انجام می دادند.

۵- تدفین وایکینگی

مراسم تدفین برای زنان هندی بوضوح کار دشواری بود و برای زنان برده ی اشراف زادگان وایکینگ هم همینطور. مراسم پس از مرگ یک رهبر قبیله بشدت بی رحمانه بوده است. هنگامی که رهبر قبیله می مرد، بدن او به مدت ۱۰ روز در یک گور موقت قرار می گرفت و لباس های تازه برای او آماده می شد. در این مدت، یکی از دختران برده باید برای پیوستن به او در زندگی پس از مرگ «داوطلب» می شد. او روز و شب محافظت می شد و مقادیر فراوانی شراب به او داده می شد. هنگامی که مراسم تدفین آغاز می شد، دختر از چادری به چادر دیگر می رفت و به او «تجاوز» می شد. سپس با طناب تا سرحد مرگ خفه می شد و در نهایت توسط بزرگ قبیله با خنجر به قتل می رسید. در نهایت کار، جسد رهبر قبیله و دختر برده روی یک قایق چوبی شعله ور به آب انداخته می شد.

۶- آئین قطع انگشت

چنانچه مرگ یک عزیز بقدر کافی ضایعه ی بزرگی نبود، مردمان قبیله ی دانی در گینه ی نو باید انگشتان خود را هم قطع می کردند. آنطور که به نظر می رسد این مراسم شاق و غیرقابل درک برای تمام بستگان مؤنث فرد درگذشته - همچنین کودکان - اجرا می شده است. این کار برای راضی کردن و دور کردن ارواح انجام می شد و همچنین راهی فراهم می کرد تا از درد فیزیکی برای بیان احساس غم و رنج روحی استفاده شود. برای اجرای مراسم قطع عضو، انگشتان را با زه یا ریسمان محکم می بستند و بعد با ساطور قطع می کردند. سپس تکه های برجای مانده را خشک می کردند و می سوزاندند یا در جای بخصوصی نگه می داشتند. این مراسم امروزه در گینه ی نو ممنوع شده اما چنانکه در عکس می بینید اثرات این رسم را در میان افراد مسن این اجتماع می توان دید.

۷. فامدیها

مردمان مالاگاسی ماداگاسکار، هرگز عبارت «روحش قرین آرامش» را نشنیده اند! در تلاش برای سرعت بخشیدن به تجزیه - چیزی که به عنوان گامی مهم در روند انتقال روح مرده به زندگی پس از مرگ فرض می شود - مالاگاسی ها خویشاوندان مرده ی خود را نبش قبر کرده و از نو آنها را کفن می کردند و بعد اطراف آرامگاه همراه با موسیقی زنده به رقص با اجساد می پرداختند. مراسمی که فامدیها یا «گرداندن استخوان ها» نامیده می شود، بمدت سه قرن انجام شده است؛ مراسمی که کلیساهای مسیحی محلی تمام تلاششان را می کنند که از دستش خلاص شوند.

۸- توتم تدفین

توتم ها یکی از اجزای ثابت شمال غربی آمریکا و مردم هیدا هستند اما این شمایل ها بیشتر از آنچه با چشم دیده می شود، در خود دارند. بطور معمول، بقایای یک هیدای مرده به گودال بزرگی که حیوانات حفر کرده اند، پرتاب می شده است، اما سلسله آداب پس از مرگ یک رئیس قبیله، شمن یا جنگجو بمراتب پیچیده تر بوده است. در این موارد، بدن با یک چماق کوبیده و له می شد؛ بطوری که در یک جعبه ی چوبی به ابعاد یک چمدان جا بگیرد. بعد جعبه در کنار یک توتم تدفین خاص در نزدیکی خانه ی فرد مرده قرار داده می شد؛ جایی که در آن، شمایل ها به عنوان نگهبانان سفر ارواح به زندگی پس از مرگ عمل می کردند. مبلغان مذهبی مسیحی که برای سرکشی به این قبایل می رفتند - اغلب بخاطر بوی پایدار جسد - از این مکان ها برمی گشتند.

۹. آداب ورسوم تدفین بومیان استرالیا

بهترین قسمت مراسم مرگ بومی، این است که اعضای خانواده می توانند یک چیز را به یادگار نگه دارند؛ مشخصاً استخوان های مرده. پس از مرگ یک عضو خانواده، بدن او بالای یک سطح بلند که با برگ و شاخه ها پوشانده شده بود

و قرار بود جنازه آنجا تجزیه شود، قرار داده می شد؛ فرایندی که اغلب ماه ها طول می کشد. در بعضی موارد، مایع خارج شده از جسد در حال فساد جمع آوری می شد و بر بدن جوان ترها مالیده می شد تا ویژگی های خوب شخص در گذشته از این طریق به آنان منتقل شود. پس از آن، استخوان ها جمع آوری و با رنگ قرمز رنگ آمیزی می شدند. سپس استخوان ها داخل غار یا یک خروجی متروک قرار داده می شدند. در بعضی موارد بستگان می توانستند آنها را تا یک سال به خود بیاویزند. بعضی از قبایل نیز از به زبان آوردن نام فرد مرده امتناع می کردند و تمام ماترک او را کاملاً نادیده می گرفتند. تمام مراسم راهی بود برای اینکه مطمئن شوند روح مرده براحتی نمی تواند با زندگان درآمیزد.

۱۰. مراسم تدفین زرتشتیان

مشکلی که زرتشتیان با جسد مرده ها دارند این است که تصور می کنند جسد چیزی دارد که هر آنچه با او در تماس باشد را آلوده می کند؛ خواه زمین و لباس آدم باشد، خواه آتش. مراسم تدفین زرتشتیان با تطهیر جسد آغاز می شد که فقط یک عضو آموزش دیده ی جامعه زرتشتیان اجازه ی این کار را داشت. هنگامی که جسد «پاک» شد، در پارچه ی کتانی گذاشته می شد و دو بار توسط یک سگ بازدید می شد و سگ جسد را بو می کشید. زرتشتیان باستان معتقد بودند ارواح پلید با دیدن سگ از جسد دور می شدند. پس از اینکه عزاداران جسد را می دیدند (لمس کردن بشدت ممنوع بوده است)، آن را بالای یک دخمه یا به قول غربی ها «برج سکوت» قرار می دادند و همانجا لباس ها را با استفاده از ابزار درمی آوردند و بعداً از بین می بردند. به دنبال آن، جسد بسرعت توسط لاشخورها خورده می شد. تمام این مراسم به این صورت انجام می شد تا مطمئن شوند کمترین آسیب به افراد زنده می رسد.